



دانشکده علوم اداری و اقتصادی

گروه مدیریت

### عنوان پایان نامه:

احصاء برداشت‌ها و ادراکات دست‌اندرکاران مراکز دانشگاهی و صنعتی نسبت به  
موانع تاثیرگذار بر انتقال دانش بین صنعت و دانشگاه

نگارش:

مرضیه غلامی

ارائه شده جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته مدیریت صنعتی گرایش تولید

استاد راهنما:

دکتر محمد لگزیان

استاد مشاور:

دکتر شمس‌الدین ناظمی

دی‌ماه ۱۳۹۲

این پایان نامه تحت حمایت سازمان صنایع کوچک شرکت  
شهرک‌های صنعتی خراسان رضوی انجام شده است

## تقدیر و مشگر

آن لایتناهی که مارا سرشت، خنید و خنده اش بر ما ریخت، ترانه بر سر آدم و حوا پاشید، بارانی شان کرد،  
حفظه بخل آنهارا پخته تر ساخت، و زرداد، قالب زد و انگلیخت. عقل و فکر آموخت، نامشان آدم  
شد، ماند که با کدام موبت زینت بخشد، اندشید، اندشید، اندشید، پس محمد (ص) را آفرید.

چه صبورانه ستاره شان را به معراج نور سپردند و چه زیاده سکوت غریبانه شب به مناجات دل بستند. کاش  
می شد عطر دستا نشان را بوید، کاش می شد عشق را در نگاهشان تقدیم کرد و در تبسم مهربانشان تسلیم شد،  
آری چون قطره ای ناچیز در برابر دریای محبت آنان، ز بانم قاصر است، مهربانانی که با مهربانی شایسته شان از  
ما انسانی فریخته ساخته اند که همواره دعای آنان ره توشه ماست، آری از پدر و مادر و همسر می نویسم، از  
استادان ارجمند می نویسم و در مدح و ستایش آنان قلم به دست گرفته ام، از کسانی که اندوخته شان را بی  
دریغ و با عشق تقدیم کردند.

## چکیده

هر جامعه‌ای برای نیل به اهداف توسعه حقیقی و پایدار نیازمند تعامل و کنش مداوم میان دو نهاد علمی و فنی است که در قالب دانشگاه و صنعت شکل می‌گیرد. در واقع دانشگاهها به تولید دانش و انتقال آن به دانش پژوهان می‌پردازد و صنعت نیز در جهت به کارگیری دانش عمل می‌کند و انتظارات خود را با تیم‌های پژوهشگر دانشگاهی در میان می‌گذارد و آنها ایده‌ها، یافته‌ها و نتایج پژوهش خود را به صنعت عرضه می‌کنند. مطالعات انجام شده در ایران نشان می‌دهد که انتقال دانش میان دانشگاه و صنعت با چالش‌ها و موانعی روبرو است که صاحبان صنایع را به سمت و سوی مونتاژ قطعات وارداتی و گریز از دانشگاهها متمایل نموده است. در این مطالعه به منظور تبیین و تفسیر دیدگاه صاحب‌نظران بخش دانشگاه و صنعت پیرامون موانع تأثیرگذار بر انتقال دانش بین این دو نهاد، از یکی از روش‌های تحقیق کیفی تحت عنوان پدیدارشناسی تفسیری استفاده گردید. روش جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با ده نفر از خبرگان مراکز دانشگاهی و صنعتی از طریق نمونه‌گیری هدفمند و استراتژی گلوله-برفی بود. در تحقیق حاضر، به منظور حصول اطمینان از صحت طبقه‌بندی مفهومی یافته‌ها، از نرم‌افزار Nvivo جهت تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی استفاده شد. نتایج به دست آمده در این مطالعه نشان می‌دهد که مهمترین موانع شناسایی شده در زمینه انتقال دانش میان صنعت و دانشگاه در قالب هشت مفهوم، شامل عدم درک دانشگاهیان نسبت به جایگاه پژوهش، کاربردی نبودن تولید علم در دانشگاه، کمبود منابع مالی پژوهشی، عدم تعیین رسالت و اهداف دانشگاه بر مبنای نیاز صنعت، فقدان زیرساخت‌های لازم در صنعت، عدم اعتماد میان صنعتگران و دانشگاهیان، فقدان مکانیزم انگیزشی مناسب و فقدان زیرساخت‌های دولتی، قانونی و فرهنگی می‌باشد.

**کلید واژگان:** انتقال دانش، ارتباط صنعت و دانشگاه، موانع انتقال دانش.

## فهرست مطالب

---

فصل اول: کلیات تحقیق .....	۱
۱.۱. مقدمه .....	۲
۱.۲. بیان مسأله و تبیین موضوع .....	۲
۱.۳. اهمیت و ضرورت پژوهش .....	۴
۱.۴. اهداف پژوهش .....	۵
۱.۵. سؤال اصلی تحقیق .....	۵
۱.۶. قلمرو پژوهش .....	۶
۱.۷. نتایج مورد انتظار پژوهش .....	۶
۱.۸. ساختار و نحوه سازماندهی پایان نامه .....	۷
۱.۹. تعریف مفاهیم و مضامین مورد استفاده در تحقیق .....	۷
فصل دوم: ادبیات موضوع .....	۹
۲.۱. مقدمه .....	۱۰
۲.۲. مفاهیم مدیریت دانش .....	۱۱
۲.۲.۱. داده، اطلاعات و دانش .....	۱۱
۲.۲.۲. مدیریت دانش .....	۱۲
۲.۲.۳. اصول مدیریت دانش .....	۱۲
۲.۲.۴. عوامل مؤثر بر مدیریت دانش .....	۱۳
۲.۲.۵. چرخه مدیریت دانش .....	۱۴
۲.۳. جایگاه و اهمیت انتقال و تسهیم دانش .....	۱۵
۲.۳.۱. انتقال و تسهیم دانش .....	۱۵
۲.۳.۲. جنبه‌های مؤثر بر موفقیت انتقال دانش .....	۱۶
۲.۳.۳. عوامل مؤثر بر انتقال دانش .....	۱۶
۲.۴. همکاری میان صنعت و دانشگاه و ضرورت آن .....	۱۷
۲.۴.۱. نقش دولت در همکاری‌های میان دانشگاه و صنعت .....	۱۸
۲.۵. عوامل تأثیرگذار بر انتقال دانش در همکاری‌های پژوهشی دانشگاه و صنعت .....	۱۹
۲.۶. موانع و تسهیل‌کننده‌های مؤثر بر فرآیند انتقال دانش .....	۲۷
۲.۷. پیشینه پژوهش .....	۳۴
۲.۷.۱. تحقیقات داخلی .....	۳۴

۳۶	..... تحقیقات خارجی
۳۸	..... جمع‌بندی
۴۰	..... فصل سوم: روش و شیوه اجرای تحقیق
۴۱	..... ۳,۱ مقدمه
۴۱	..... ۳,۲ نوع شناسی پژوهش
۴۱	..... ۳,۲,۱ انواع تحقیق بر مبنای نتیجه
۴۲	..... ۳,۲,۲ انواع تحقیق بر مبنای هدف
۴۲	..... ۳,۲,۳ انواع تحقیق بر مبنای نوع داده‌ها
۴۳	..... ۳,۲,۴ انواع تحقیق کیفی بر مبنای روش
۴۴	..... ۳,۳ پدیدارشناسی
۴۵	..... ۳,۳,۱ رهیافت‌های پدیدارشناسی
۴۶	..... ۳,۴ مشارکت‌کنندگان در پژوهش
۴۶	..... ۳,۵ نمونه‌گیری گلوله‌برفی
۴۷	..... ۳,۶ شیوه و ابزار گردآوری داده‌ها
۴۷	..... ۳,۶,۱ فرآیند اجرای مصاحبه
۴۸	..... ۳,۷ شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها
۴۹	..... ۳,۸ اعتبار در پژوهش
۵۰	..... ۳,۸,۱ روایی در پژوهش‌های کیفی
۵۱	..... ۳,۸,۲ پایایی در پژوهش‌های کیفی
۵۳	..... فصل چهارم: یافته‌های پژوهش
۵۴	..... ۴,۱ مقدمه
۵۵	..... ۴,۲ موانع تأثیرگذار در انتقال دانش در ارتباط دانشگاه و صنعت
۵۶	..... ۴,۲,۱ مانع اول: عدم درک دانشگاهیان نسبت به جایگاه پژوهش در دانشگاه
۵۷	..... ۴,۲,۲ مانع دوم: کاربردی نبودن تولید علم در دانشگاه
۵۹	..... ۴,۲,۳ مانع سوم: کمبود منابع مالی پژوهشی در دانشگاه
۵۹	..... ۴,۲,۴ مانع چهارم: عدم تعیین رسالت و اهداف دانشگاه بر مبنای نیاز صنعت
۶۰	..... ۴,۲,۵ مانع پنجم: فقدان زیرساخت‌های لازم در صنعت
۶۲	..... ۴,۲,۶ مانع ششم: عدم اعتماد میان صنعتگران و دانشگاهیان
۶۳	..... ۴,۲,۷ مانع هفتم: فقدان مکانیزم انگیزشی مناسب
۶۴	..... ۴,۲,۸ مانع هشتم: فقدان زیرساخت‌های دولتی، قانونی و فرهنگی
۶۶	..... ۴,۳ فضای نتیجه

۶۹	..... فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری
۷۰	..... ۵,۱. مقدمه
۷۱	..... ۵,۲. مرور کلی پژوهش
۸۰	..... بحث، استدلال و نتیجه‌گیری پیرامون یافته‌های پژوهش
۸۰	..... ۵,۳. پیشنهادی برای تحقیقات آتی
۸۰	..... ۵,۴. محدودیت‌های پژوهش
۸۱	..... فهرست منابع و مآخذ
۸۲	..... منابع فارسی
۸۵	..... منابع لاتین
۸۹	..... پیوست

## فهرست جداول و اشکال

---

- جدول ۴-۱. اطلاعات مربوط به مشارکت کنندگان ..... ۵۴
- جدول ۴-۲. مضامین پدیدار شده در مفهوم عدم درک دانشگاهیان نسبت به جایگاه پژوهش ..... ۵۷
- جدول ۴-۳. مضامین پدیدار شده در مفهوم کاربردی نبودن تولید علم در دانشگاه ..... ۵۸
- جدول ۴-۴. مضامین پدیدار شده در مفهوم کمبود منابع مالی پژوهشی در دانشگاه ..... ۵۹
- جدول ۴-۵. مضامین پدیدار شده در مفهوم عدم تعیین رسالت و اهداف دانشگاه بر مبنای نیاز صنعت ..... ۶۰
- جدول ۴-۶. مضامین پدیدار شده در مفهوم فقدان زیرساخت های لازم در صنعت ..... ۶۱
- جدول ۴-۷. مضامین پدیدار شده در مفهوم بی اعتمادی متقابل صنعتگران و دانشگاهیان ..... ۶۲
- جدول ۴-۸. مضامین پدیدار شده در مفهوم فقدان مکانیزم انگیزشی مناسب ..... ۶۴
- جدول ۴-۹. مضامین پدیدار شده در مفهوم عدم وجود زیرساخت های دولتی، قانونی و فرهنگی ..... ۶۵
- جدول ۴-۱۰. فضای نتیجه ..... ۶۷
- شکل ۴-۱. فضای نتیجه ..... ۶۸



# فصل اول؛

کلیات پژوهش

## ۱.۱. مقدمه

در عصر حاضر، موضوع انتقال دانش به یکی از موضوعات مهم و اصلی پژوهشگران دانشگاهی و سیاست‌گذاران اقتصادی تبدیل شده است. همکاری میان بخش صنعتی و مؤسسات علمی از طریق مبادله دانش و تکنولوژی اهمیت قابل توجهی در سیاست‌های اقتصادی سال‌های اخیر دارد. مطالعات نشان می‌دهد که در اقتصاد دانشی امروز، علم دارای تأثیر افزایشی بر روند نوآوری خصوصاً در رشد سریع صنایع دانش محور است. بنابراین گفته می‌شود که میزان و شدت روابط علم و صنعت یکی از عوامل تأثیرگذار در عملکرد نوآوری بالا در سطح شرکت، صنعت و کشور است (اروانیتیس، سیدو و ورترو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). به طور کلی در بحث همکاری دانشگاهها و صنعت در توسعه صنعتی، چنین بیان می‌شود که دانشگاهها از یک سو کانونی برای پرورش و توسعه منابع انسانی مورد نیاز و عرضه‌کننده اصلی دانش علمی و بستر پرورش تخصص‌های تکنولوژیک و از سوی دیگر، دارای نقش اساسی در فضای فرآیند و عمق تحقیقات پایه، کاربردی و صنعتی هستند. صنایع نیز نقش مهمی در ارزش افزوده اقتصادی جامعه ایفا می‌کنند. مطالعات در این زمینه نشان می‌دهد که توسعه انتقال دانش صرفاً به عملکرد داخلی صنایع وابسته نیست، بلکه شدیداً متأثر از کنش متقابل و روابط تعاملی آنها با دانشگاهها است (سنتورو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱).

## ۱.۲. بیان مسأله و تبیین موضوع

در عصر اطلاعات که دانش نقش کلیدی را در آن ایفا می‌کند، انتخاب اطلاعات درست از منابع مختلف و تبدیل آن به دانش به عنوان مهمترین چالش در این دوره محسوب می‌شود. علاوه بر این، توانایی برای بهره‌برداری از دانش نیز یک مؤلفه مهم در قابلیت‌های نوآورانه است و توانایی ارزیابی و استفاده از دانش تا حدودی تابعی از سطح دانش گذشته سازمان است. با وجود این که ادراکات و مفاهیم مدیریت دانش و انتقال دانش از سازمانی به سازمان دیگر متفاوت است، اما اصول مدیریت دانش که شامل اطلاعات و افراد است باید در هر سازمان متمرکز شده و مفاهیم آن کاملاً درک شود، زیرا موفقیت انتقال دانش را به دنبال دارد (موسا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱، به نقل از اسمیت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱، کوهن و

<sup>۱</sup> - Arvanitis, Sydow & Woerter

<sup>۲</sup> - Santoro

<sup>۳</sup> - Moosa

<sup>۴</sup> - Smith

لویتال<sup>۵</sup>، ۱۹۹۰). از طرفی، انتقال دانش میان دانشگاه و صنعت به عنوان مهمترین ورودی در دستور کار سیاست علم و فناوری شماری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به شمار می‌آید و افکار دانشگاهیان و صنعتگران دنیا را به خود مشغول داشته است. از یک طرف دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی به عنوان کانون‌های تفکر هر جامعه که جایگاه طبیعی امر تحقیقات هستند، با عهده دار شدن مأموریت‌های جدید در کنار آموزش و پژوهش از جمله توسعه فناوری، کارآفرینی و نوآوری به شدت نیازمند حمایت‌های صنعت می‌باشند. این مراکز با استفاده از شیوه‌های علمی و بوسیله نیروی انسانی توانمند قادر به بررسی عمیق مسائل و مشکلات و ارائه راه‌حل‌ها هستند. از طرف دیگر صنعت به عنوان موتور محرک اقتصادی وارد فضای رقابتی شده و برای افزایش بازده، نیازمند دانش و فناوری و در نتیجه ارتباط ناگسستگی با دانشگاه و مراکز پژوهشی می‌باشد (بالکونی و دیگران<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳ و توفیقی داریان، ۱۳۸۵). بررسی وضعیت ارتباط میان دانشگاه و صنعت در کشورهای توسعه یافته حاکی از آن است که همکاری‌های علمی و پژوهشی دانشگاه و صنعت در این کشورها دارای ساختار و نظام قانونمند و رسمی است و مؤسساتی نیز به صورت واسطه با سازوکارهای مشخص، برای ایجاد تعامل بین دانشگاه و صنعت و همچنین جذب حمایت‌های دولت تشکیل و موظف شده‌اند تا با استفاده از شیوه‌ها و تدابیر صحیح، توانایی‌های بالقوه دانشگاهها را در امر تحقیقات به سمت صنایع سوق داده و همچنین صنعت را در استفاده از نتایج تحقیقات دانشگاهی ترغیب کنند (درویشی و همکاران، ۱۳۸۸). روسی<sup>۷</sup> (۲۰۱۰) نیز در این خصوص اضافه می‌کند که ارتباط صحیح دانشگاه و صنعت می‌تواند موجب افزایش نوآوری، انتقال دانش و تکنولوژی گردد و در صورت تعامل پایدار بین این دو نهاد، توسعه صنعتی و متعاقب آن توسعه اقتصادی و اجتماعی را به دنبال دارد.

بررسی مطالعات انجام شده در ایران نشان می‌دهد که علیرغم پژوهش‌های انجام شده در زمینه انتقال دانش در حوزه دانشگاه و صنعت و اهمیت و تاثیر فوق العاده‌ای که ارتباط موثر دانشگاه و صنعت بر توسعه علمی و اقتصادی کشور دارد، برقراری این ارتباط در کشور ایران با مشکلات و چالش‌های فراوانی روبرو است و فقدان برنامه و سیاست مشخص برای تبیین و اجرای مدل‌های همکاری بین دانشگاه و صنعت سبب شده است که دانشگاهها نتوانند به طور موثر و فعال در فرآیند رفع نیازهای علمی و حل مسائل و مشکلات صنعت شرکت کرده و استفاده بهینه از آنها

<sup>5</sup> - Cohen & Levinthal

<sup>6</sup> - Balconi et al

<sup>7</sup> - Rossi

صورت گیرد و لذا خلاء ناشی از عدم ارتباط موثر بین این دو نهاد همچنان احساس می‌شود (جعفرنژاد و دیگران، ۱۳۸۴).

به همین منظور، تحقیق حاضر برآن است تا با تفسیر و تبیین برداشت‌ها و دیدگاه‌های دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران محافل علمی و دانشگاهی و متخصصان محیط‌های صنعت و کسب‌وکار، موانع تاثیرگذار بر انتقال دانش در ارتباط دانشگاه و صنعت را به طور خاص در زمینه پروژه‌های تحقیقاتی مشترک انجام شده بین این دو نهاد، شناسایی نماید.

### ۱,۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

ارتباط صنعت و دانشگاه موضوعی است که از سال‌های گذشته در جامعه مطرح بوده و اقدامات زیادی در این زمینه به صورت تئوری و عملی از قبیل مقاله، کتاب، برگزاری سمینار و انعقاد تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای همکاری انجام گرفته است اما شواهد حاکی از آن است که دست‌اندرکاران و مسئولان در این حوزه هنوز نتوانسته‌اند ارتباط پویا و موثری را بین این دو نهاد شاهد باشند و لذا از ثمرات این ارتباط موثر در جهت پویایی اقتصاد، فناوری‌های جدید و افزایش بهره‌وری بی بهره مانده‌اند (درویشی و دیگران، ۱۳۸۸).

جعفرنژاد و دیگران (۱۳۸۴)، توفیقی داریان (۱۳۸۵)، کوکبی (۱۳۸۸) و فائض و شهابی (۱۳۸۹) بر این باورند که همکاری‌های مفید و موثر بین دانشگاه و صنعت در کشورهای توسعه یافته نظیر آمریکا، سوئیس، ژاپن، چین و کره جنوبی، علاوه بر نقش مهمی که در افزایش نوآوری، انتقال دانش و تکنولوژی دارد، اساس اقتصاد این کشورها را نیز تشکیل می‌دهد. در این کشورها دانشگاهها پیشگام توسعه صنعتی بوده و در زمینه تحقیقات مشترک و راهنمایی‌های فنی با صنعت نقش کاملاً گسترده‌ای دارند و این مطلب بدان معناست که در این همکاری‌ها، دانشگاه انجام تحقیقات بنیادی را تقبل می‌کند و صنعت توسعه کار را برعهده می‌گیرد و در پایان، نتایج تحقیقاتی برای طرفین قرارداد ارسال می‌شود. در این راستا اغلب شرکت‌های تولیدی برای انجام کارهای تحلیلی به آزمایشگاههای دانشگاهها مراجعه می‌کنند و از دید دانشگاهها نیز ارتباط با صنعت منبع مهم دریافت بودجه‌های تحقیقاتی به شمار می‌آید. اما نگاهی کلی به تاریخچه ارتباط دانشگاه و صنعت در ایران نشان می‌دهد که شکل‌گیری این ارتباط در گذر زمان به طور اصولی پایه‌ریزی نشده و محتوا و سمت و سوی این ارتباط نیز هدفمند نبوده است. از این رو، به منظور آسیب شناسی مبانی ارتباط این دو نهاد، باید چرخه عرضه و تقاضای دانش را به دقت مورد تجزیه و تحلیل قرارداد.

حاکمیت نگاه آموزش‌محوری در دانشگاهها در طی سالهای متمادی موجب شده است که حلقه‌های مختلف دانش یعنی تولید دانش (پژوهش)، انتشار دانش (کتاب و مقاله)، تبدیل دانش (فناوری) و استفاده از دانش (نوآوری) چندان مورد توجه قرار نگیرد. از طرف دیگر، صنایع نیز متکی به دانش فنی خارجی و بی نیاز از دستاوردهای علمی دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی داخل، سیاست خود را به پیش برده است و از آنجایی که نمی‌توان ارتباط دانشگاه و صنعت را به صورت منفرد و جدای از نظام اقتصادی، اجتماعی و تحقیقاتی مورد بررسی قرارداد، باید به این مسأله به صورت جامع نگریت و لازم است به مشکلات ارتباط دانشگاه و صنعت و علل پدید آمدن این مشکلات توجه داشت (شفیعی و یزدانیان، ۱۳۸۸). برخی از پژوهشگران یکی از مهمترین موانع موجود بر سر راه ارتباط این دو نهاد را تمایل دانشگاهیان به انجام تحقیقات پایه‌ای و بی‌اعتمادی صنعت به دانشگاه معرفی می‌کنند. ایشان بر این باورند که اغلب تحقیقاتی که در دانشگاهها انجام می‌شود، بیشتر جنبه تئوریک و پایه‌ای دارد و عدم تطبیق خروجی تحقیقات دانشگاهی با نیازهای صنعت منجر به بی‌اعتمادی صنایع نسبت به دانشگاهها می‌شود (میرعلیخانی و دیگران، ۱۳۸۸).

مطالعات انجام شده در ایران نشان می‌دهد که علیرغم نتایج حاصل از ارتباط مؤثر میان دانشگاه و صنعت و تأثیر آن بر پیشرفت قابل ملاحظه جوامع توسعه‌یافته، پژوهشگران و صاحب‌نظران در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به دلیل تفاوت در زیرساخت‌های آموزشی، فرهنگی، سازمانی موجود میان جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه از قبیل تفاوت در تدوین نقشه راهبردی و سیاست یکپارچه، تخصیص بودجه، مشارکت‌های بین‌المللی، مشارکت بخش خصوصی و تجاری سازی نتایج پژوهش‌ها، هنوز نتوانسته‌اند ارتباط کارآمد و مؤثری را بین این دو نهاد برقرار نمایند. از این رو با استناد بر مطالب ذکر شده و با توجه به معیوب بودن حلقه‌های ارتباطی دانشگاه و صنعت، بررسی موانع تأثیرگذار بر انتقال دانش در ارتباط صنعت و دانشگاه در خصوص پروژه‌های تحقیقاتی امری الزامی است و امید است که بتوان با شناسایی موانع موجود، زمینه را برای بهبود و ارتقای ارتباط بین این دو نهاد فراهم نمود.

#### ۱.۴. اهداف پژوهش

هدف اصلی در این تحقیق، تبیین و تفسیر ادراکات و برداشت‌های خبرگان دانشگاه و صنعت نسبت به شناسایی و تعیین موانع تأثیرگذار بر انتقال دانش در خصوص پروژه‌های تحقیقاتی انجام شده می‌باشد.

#### ۱.۵. سؤال اصلی تحقیق

سؤال اصلی این تحقیق عبارت است از:

برداشت‌ها و ادراکات خبرگان دانشگاه و صنعت نسبت به موانع تأثیرگذار بر انتقال دانش در خصوص پروژه‌های

تحقیقاتی انجام شده چیست؟

### ۱.۶. قلمرو پژوهش

قلمرو تحقیق شامل قلمرو زمانی، مکانی و موضوعی پژوهش است. در قلمرو زمانی، زمان جمع‌آوری داده‌های تحقیق و همچنین زمان آغاز و پایان مراحل انجام تحقیق بیان می‌شود. در قلمرو مکانی، حوزه جغرافیایی انجام تحقیق ذکر می‌گردد. در قلمرو موضوعی نیز محقق مسأله تحقیق خود را تعریف و مشخص می‌کند که از نظر تئوریک آن مسأله در حوزه کدام علم و کدام موضوع قرار دارد (رضوانی، ۱۳۹۱، ۳۴، خاکی، ۱۳۹۰، ۲۰۵).

قلمرو زمانی پژوهش: پژوهش حاضر در بازه ۱۲ ماهه از آبان‌ماه ۱۳۹۱ تا آبان‌ماه ۱۳۹۲ انجام گردید که در ۶ ماهه اول، مطالعه ادبیات موضوع و در ۶ ماهه دوم، مرحله اجرایی شدن پژوهش صورت گرفت.

قلمرو مکانی پژوهش: قلمرو مکانی این تحقیق را اساتید و صاحب‌نظران دانشگاه فردوسی مشهد، مدیران مجرب شرکت‌های مستقر در شهرک صنعتی توس، سازمان صنعت، معدن و تجارت و اتاق بازرگانی مشهد تشکیل می‌دهد. قلمرو موضوعی پژوهش: این پژوهش بر درک و شناسایی موانع تأثیرگذار بر انتقال دانش در ارتباط میان دانشگاه و صنعت تأکید نموده و از مباحث مطروحه در حوزه روابط میان سازمانی می‌باشد.

### ۱.۷. نتایج مورد انتظار پژوهش

به طور کلی سازمان‌های ذینفع در این پژوهش را می‌توان به سه دسته از جمله؛ مراکز صنعتی، مراکز تحقیقاتی دانشگاهی و دفاتر ارتباط دانشگاه و صنعت طبقه‌بندی نمود.

- مراکز صنعتی

در این پژوهش انتظار می‌رود که با شناسایی موانع موجود در بحث انتقال دانش میان دانشگاه و صنعت، مراکز صنعتی اقدامی در جهت رفع مشکلات و مسائل موجود نمایند و به دنبال آن، مراکز صنعتی بتوانند از دانش ایجاد شده در دانشگاه‌ها بهره‌برداری کنند.

- مراکز تحقیقاتی دانشگاهی

در این مراکز انتظار می‌رود که با شناسایی موانع موجود در بحث ارتباط صنعت و دانشگاه، اقدام قابل توجهی را با هدف همسوسازی تحقیقات دانشگاهی با نیازهای مراکز صنعتی نمایند.

• دفاتر ارتباط دانشگاه و صنعت

در این دفاتر انتظار می‌رود که با شناسایی مسائل موجود در صنعت و ارجاع آنها به دانشگاهها، تمهیدات لازم جهت کاربردی‌تر شدن تحقیقات دانشگاهی، گامی بلند بردارند.

۱.۸. ساختار و نحوه سازماندهی پایان نامه

پژوهش حاضر در پنج فصل ارائه گردیده است. در فصل اول کلیاتی درباره مسأله تحقیق، ضرورت و اهمیت آن، هدف اصلی پژوهش، قلمروی تحقیق و در انتها تعاریف مفهومی و عملیاتی واژگان کلیدی بیان شده است. در فصل دوم به بیان مبانی نظری در زمینه انتقال دانش، همکاری میان دانشگاه و صنعت و موانع انتقال دانش پرداخته شده و در پایان نیز، مروری بر تحقیقات پیشین صورت گرفته است. فصل سوم این پژوهش بیانگر روش تحقیق، جامعه پژوهش، نحوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها است. در فصل چهارم اطلاعاتی در خصوص داده‌های جمع‌آوری شده و طبقه‌بندی مفهومی آنها ارائه گردیده است. در پایان، در فصل پنجم ضمن بیان کلیاتی درباره پژوهش حاضر، به بحث و نتیجه‌گیری یافته‌های تحقیق پرداخته و پیشنهادهایی در این زمینه بیان شده است.

۱.۹. تعریف مفاهیم و مضامین مورد استفاده در تحقیق

۱.۹.۱. انتقال دانش

تعریف نظری

الوانی، زارعی متین و پاشازاده (۱۳۸۸)، به نقل از بروچنر<sup>۸</sup> (۲۰۰۴) انتقال دانش را فرآیندی توصیف می‌کنند که از طریق آن سازمانها می‌توانند فناوری‌های جدید را اجرا و وارد کنند. در این تعریف، دانش به عنوان قابلیت و توانمندی شناسایی ارزش اطلاعات داخلی و بیرونی و به کارگیری آن برای نتایج و اهداف تجاری در نظر گرفته شده است.

تعریف عملیاتی

انتقال دانش در این پژوهش، مبادله دانش ایجاد شده در بستر پروژه‌های تحقیقاتی مشترک میان دانشگاه و صنعت است که از طریق آن، صنعت و دانشگاه قادرند مزیت رقابتی کسب نمایند.

۱.۹.۲. ارتباط دانشگاه و صنعت

تعریف نظری

ارتباط دانشگاه و صنعت، فرآیندی است که در طول زمان شکل می‌گیرد و برگرفته از نیازها و ضرورت‌های ملی در دوره‌های تاریخی، سمت و سوء اهداف کاربردی مرتبط با آن تعیین می‌شود (فائض و شهابی، ۱۳۸۹).

### تعریف عملیاتی

منظور از ارتباط دانشگاه و صنعت در این پژوهش، تعاملی است که طی انجام پروژه‌های تحقیقاتی مشترک بین صنعت و دانشگاه صورت می‌گیرد.

### ۱,۹,۳. پدیدارشناسی

#### تعریف نظری

افراد مشارکت‌کننده در مطالعات پدیدارشناسی، افرادی هستند که همگی پدیده مورد مطالعه را تجربه کرده و بتوانند تجارب زنده‌شان را به خوبی بیان کنند (دانایی فرد و کاظمی، ۱۳۹۰، به نقل از کرسول<sup>۹</sup>، ۲۰۰۷).

#### تعریف عملیاتی

منظور از صاحب‌نظران دانشگاهی و صنعتی در این پژوهش اساتید دانشگاهی، مدیران صنعتی و تصمیم‌گیرندگان دفاتر ارتباط صنعت و دانشگاهها می‌باشند که در پروژه‌های تحقیقاتی مشترک بین دانشگاه و صنعت مشارکت نموده و در خصوص انتقال دانش میان این دو نهاد صاحب‌نظر و تجربیاتی را کسب کرده باشند.

<sup>9</sup> - Creswell



## فصل دوم؛

مباحث نظری و پیشینه پژوهش

## ۲.۱. مقدمه

امروزه یکی از چالش‌های فراروی بسیاری از سازمان‌ها و مؤسسات این است که چگونه می‌توانند از ظرفیت‌های فکری افراد جهت رویارویی با فرآیندهای حل مسأله، ارتقای دانش، بهبود یافتن مهارت فردی، و افزایش کیفیت وظایف استفاده کنند. داشتن نگرش مثبت نسبت به تسهیم دانش از جانب افراد می‌تواند باعث ایجاد فرصت‌های جدید و خلق نوآوری در فضای سازمان شده و موفقیت بیشتری را برای سازمان و افراد در موقعیت پاسخگویی به تغییرات محیطی و توسعه ظرفیت‌های جدید فراهم کند. یکی از بخش‌ها و موسساتی که اجرای تسهیم دانش در آن بسیار حائز اهمیت است، آموزش عالی است. در این بین اعضای هیئت علمی در دانشگاهها، یکی از مهمترین بخش‌ها و حوزه‌های یک موسسه آموزشی را تشکیل می‌دهند زیرا آنها در تولید، خلق و تغییر دانش بین افراد نقش موثری ایفا می‌کنند. (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۹). مطالعات تجربی متعددی فرآیند انتقال دانش را بین دانشگاهها و شرکت‌ها با تمرکز بر جنبه‌های مختلف این فرآیند، تجزیه و تحلیل نموده‌اند. این مطالعات شواهد و مدارک متفاوت و متغییری را در رابطه با اهمیت انواع خروجی‌های دانشی دانشگاهها به صنایع، ارائه کرده‌اند. از یک طرف، به نظر می‌رسد که خروجی‌های مدون پژوهش دانشگاهی نظیر انتشارات و نشریه‌ها و اختراعات را می‌توان به عنوان مهمترین ورودی نوآوری صنعتی برشمرد. از طرف دیگر، فعالیت‌های پژوهشی مشترک و قراردادی نیز به عنوان مهمترین شیوه انتقال تکنولوژی محسوب می‌شود. علاوه براین، استفاده از پژوهشگران دانشگاهی، موثرترین روش برای انتقال دانش از دانشگاهها به شرکت‌ها توصیف شده است. سپس، روابط رسمی به عنوان راه و شیوه متداول ارتباطی بین دانشگاهها و صنعت شناسایی شده است. بعلاوه، اهمیت کانال‌های مختلف انتقال دانش بین این دو نهاد می‌تواند توسط فعالیت شرکت‌ها در صنایع مختلف تعیین گردد. درواقع، فعالیت شرکت‌ها در صنایع مختلف موجب استفاده و کاربرد دانش تکنولوژیکی متفاوت و تقاضای آن می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که راه و شیوه‌ای که یادگیری سازمانی رخ می‌دهد و نوآوری شکل می‌گیرد و نیز میزان فرصت تکنولوژیکی و موانع ورود تکنولوژی جدید، موجب اختلاف در فعالیت‌های تولیدی یا صنعتی می‌گردد. با این وجود، اکثر مطالعات، کنترل و نظارتی بر اختلافات موجود در ویژگی‌ها و خصوصیات دانش، اصل و منشاء دانش یا ویژگی‌های فردی و سازمانی مشارکت‌کنندگان نداشته‌اند. بنابراین، الگوهای

انتقال دانش از دانشگاه به صنعت باید به طور سیستماتیک در راستای واحدها و با در نظر گرفتن الگوهای یادگیری متفاوت و سطوح مختلف فرصت‌های تکنولوژیکی، شناسایی و تعیین گردند (بکرز و فریتاس<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۸). در این فصل در ابتدا، به بیان مبانی نظری که شامل مفاهیم مدیریت دانش و انتقال دانش است، پرداخته و ضمن تشریح و مرور مبانی نظری درباره چگونگی تعامل و ارتباط دانشگاه، صنعت و نقش دولت، عوامل تأثیرگذار بر انتقال دانش را در مباحث همکاری‌های میان دانشگاه و صنعت بیان خواهد نمود. سپس مروری کلی بر مطالعات پیشین صورت خواهد گرفت و در پایان، یک جمع‌بندی از مباحث مذکور ارائه خواهد گردید.

## ۲.۲. مفاهیم مدیریت دانش

### ۲.۲.۱. داده<sup>۱۱</sup>، اطلاعات<sup>۱۲</sup> و دانش<sup>۱۳</sup>

داده‌ها، اطلاعات و دانش از جمله مفاهیم متداولی هستند که بدون استفاده صحیح از آنها، انجام کارها مشکل و حتی غیرممکن است.

داده‌ها، علائم، توصیفات و اعداد و ارقامی هستند که توسط دانشمندان یا پژوهشگران با حداقل تفسیر متنی جمع-آوری شده و خصوصیات را درباره موضوعات، واقعیات و رویدادها ارائه می‌دهند (آکوف<sup>۱۴</sup>، ۱۹۸۹، داونپورت و پروساک<sup>۱۵</sup>، ۱۹۹۸، دی لانگ و فاتی<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۰).

اطلاعات، داده‌های هدف‌دار و سازماندهی شده، طرح‌ها و الگوهایی هستند که افراد آنها را از داده‌ها استنباط می‌کنند و قابلیت انتقال دارند (آکوف، ۱۹۸۹، پوراک و رابین<sup>۱۷</sup>، ۱۹۹۷، داونپورت و پروساک، ۱۹۹۸، دی لانگ و فاتی، ۲۰۰۰). دانش، آمیخته‌ای از مهارت‌ها، تجربیات، ارزش‌ها و اطلاعات نظام‌مند در ذهن افراد است که از طریق تعامل با سایر افراد حاصل و عاملی برای تغییر و دگرگونی اطلاعات به آموزش و تعالیم تعریف می‌شود. این اطلاعات ارزشمند

<sup>10</sup> - Bekkers & Freitas

<sup>11</sup> - Data

<sup>12</sup> - Information

<sup>13</sup> - Knowledge

<sup>14</sup> - Ackoff

<sup>15</sup> - Davenport & Prusak

<sup>16</sup> - De long & Fathy

<sup>17</sup> - Porak & Rubin

ضمن استفاده در امر تصمیم‌گیری، از طریق ارتباطات سیستماتیک به افراد منتقل می‌شود (چن و هوانگ<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۱، به نقل از بل<sup>۱۹</sup>، ۱۹۷۳، سرلک و اسلامی، ۱۳۹۰، به نقل از استنمارک<sup>۲۰</sup>، ۲۰۰۰).

### ۲.۲.۲. مدیریت دانش<sup>۲۱</sup>

تعاریف ارائه شده از مدیریت دانش بسیار متفاوت و در برخی موارد متناقض هستند که به شرح زیر است:

مدیریت دانش، ساختاری سیستماتیک، صریح و پیش‌بینی شده برای تجدید و به کارگیری ایده‌ها، واقعیتها، مفاهیم داده‌ها و تکنیکهای ثبت شده در حافظه انسان و مبتنی بر اطلاعاتی است که با تجربه، باورها و ارزش‌های شخصی، همراه است که در جهت حداکثر کردن اثربخشی مرتبط با دانش و بازگشت‌ها از دارایی‌های دانشی می‌باشد و عملکرد بالاتر را ممکن و نوآوری را تشویق می‌کند (ویگ<sup>۲۲</sup>، ۱۹۹۷، پیرعلی و نائینی، ۱۳۹۰، به نقل از بکمن<sup>۲۳</sup>، ۱۹۹۷).

مدیریت دانش، فرآیند نظام‌مند و یکپارچه هماهنگ سازی فعالیت‌های سازمانی کسب، خلق، ذخیره سازی، تسهیم، انتقال، توسعه و به کارگیری دانش به وسیله افراد و گروه‌ها در پیگیری اهداف و تصمیم‌های عملیاتی سازمانی است (منوریان و عسگری، ۱۳۸۸، دانایی فرد، خائف الهی و حسینی، ۱۳۹۰، به نقل از هالس<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۱).

### ۲.۲.۳. اصول مدیریت دانش

اصول مدیریت دانش حاکی از آن است که مدیریت دانش، خود به خود در سازمان‌ها شکل نمی‌گیرد و زمینه و مهارت‌های خاصی را می‌طلبد. بعضی از سازمان‌ها ممکن است وظیفه اجرایی مدیریت دانش را به بخشی از مدیران و یا کارکنان خود تفویض کنند. تجارب نشان می‌دهد که تنها سازمان‌هایی موفق بوده‌اند که سطح مختلف سازمانی خود را در این امر درگیر کرده‌اند. اصول مدیریت دانش از دیدگاه داوینپورت و پروساک عبارتند از:

- دانش، نشأت گرفته از افراد است و در افکار افراد جای دارد.
- دانش، ماهیتی خلق شونده دارد و تشویق افراد موجب می‌شود که دانش به شیوه‌ای غیر منتظره گسترش یابد.
- حمایت مدیریت و تخصیص منابع برای مدیریت دانش ضروری است.

<sup>18</sup> - chen & Huang

<sup>19</sup> - Bell

<sup>20</sup> - Stenmark

<sup>21</sup> - Knowledge management

<sup>22</sup> - Wiig

<sup>23</sup> - Beckman

<sup>24</sup> - Hales